

# پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۷

هزار و سیصد و نود و چهار - تیرم سال اول

- تنش میان مدیریت متقله‌های و جهانی در پیشگیری و سرکوب اعمال غیرقانونی در دریاها ۵  
چشمید مستز - مسود علیزاده - شهرام زر نشان
- ۲۱ • نظام حقوقی حاکم بر جانشینی تعهدات در ادغام شرکت‌های تجاری  
یهرام حسن‌زاده
- ۴۳ • تخصیص صلاحیت تفتیتی مجلس شورای اسلامی در نظم اساسی ایران  
چواد تقی‌زاده - فاطمه سمیعان
- مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تفتیتی ایران با کنوانسیون مریدا در مبارزه با فساد مالی و  
تحوالات آن ۶۳  
محمد باقری کمارطیا
- ۹۳ • نظام نرم افزارهای متن باز  
سیدمحسن طلوع - جعفر نظام‌الملکی
- ۱۱۱ • مشروعیت توسل به زور در قبال دزدان دریایی سواحل سومالی  
زکبه تقی‌زاده
- ۱۶۵ • رویه حاکم بر حقوق استرداد مجرمین: مطالعه موردی: پرونده جولیان آسانژ  
فرید آزادبخت - مهدی ثنائی‌منش
- ۲۰۲ • ساختار و عملکرد دیوان آفریقایی حقوق بشر  
سیدبامر ضیایی - سائق جعفرزاده دربی
- حقوق روشن در دریای سیاه: انعطاف و قابلیت پیش‌بینی معیارهای تحدید حدود مرزهای  
دریایی در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد رومانی - آکراین (۲۰۰۹) ۱۷۵  
چشمید مظاهری
- یک جدال حقوقی تمام عیار: ایتالیا علیه دیوان بین‌المللی دادگستری ۲۰۱  
فراز شهلائی





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_32128.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_32128.html)

## حقوق روشن در دریای سیاه: انعطاف و قابلیت پیش‌بینی معیارهای تحدید حدود مرزهای دریایی در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد رومانی - اُکراین (۲۰۰۹)

جمشید مظاهری\*

### چکیده:

در سوم فوریه ۲۰۰۹ دیوان بین‌المللی دادگستری رأی خود را در مورد تحدید حدود مرزهای دریایی رومانی - اُکراین در دریای سیاه صادر کرد. این رأی از جنبه‌های مراحل تحدید حدود مرز دریایی دو کشور، تفسیر دیوان از مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، تغییر رویکرد دیوان در تحدید حدود مناطق دریایی از رهیافت انصاف نتیجه محور به سمت رهیافت انصاف اصلاح‌کننده و سرانجام وضعیت حقوقی جزیره مارها و تفسیر دیوان از بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دارای اهمیت است.

### کلیدواژه:

حقوق دریاها، دیوان بین‌المللی دادگستری، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تحدید حدود، انصاف، رومانی - اُکراین، دریای سیاه.

## مقدمه

در سوم فوریه ۲۰۰۹، دیوان بین‌المللی دادگستری حکم خود را در قضیهٔ تعیین حدود مناطق دریایی در دریای سیاه بین رومانی - آکراین صادر کرد.<sup>۱</sup> این حکم از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت است. اولین مورد به مسألهٔ انعطاف‌پذیر بودن<sup>۲</sup> و قابل پیش‌بینی بودن<sup>۳</sup> حقوق ناظر بر تعیین حدود مناطق دریایی مربوط می‌شود. ایجاد موازنه میان این دو ضرورت از طرف دیوان در قضیهٔ رومانی - آکراین موضوعی قابل بحث است.<sup>۴</sup> توضیح آنکه «همانند هر حوزه‌ای از حقوق، حقوق تعیین حدود مناطق دریایی نیز باید از قابلیت تعین و پیش‌بینی برخوردار باشد. از سوی دیگر، از آنجا که هر قضیهٔ تعیین مرزهای دریایی متفاوت از سایر قضایاست و ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ انعطاف‌پذیری ملاک‌ها که منبعث از اوضاع و احوال خاص مرتبط با هر قضیه است، امکان نیل به یک نتیجهٔ منصفانه را فراهم می‌آورد».<sup>۵</sup> مورد دوم که از اهمیت زیادی نیز برخوردار است فرصتی برای دیوان بین‌المللی دادگستری فراهم آورد تا در تفسیر بند ۳ مادهٔ ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۹۸۲ مفهوم صخره‌های مورد اشاره در این ماده را روشن سازد. چگونگی عملکرد دیوان در این باره نیز بررسی خواهد شد. مورد سوم به ثبات و پویایی رویهٔ قضایی مرتبط با تعیین حدود مناطق دریایی مربوط می‌شود. در این خصوص باید اذعان داشت که چون دیوان بین‌المللی دادگستری نقش محسوسی در توسعهٔ حقوق تعیین حدود مناطق دریایی داشته است، نسبت به گذشته در رهیافت دیوان در خصوص تعیین حدود مناطق دریایی تغییراتی مشاهده می‌شود. بنابراین به منظور مشخص کردن جهت این تغییرات و به تبع آن تعیین سمت و سوی توسعهٔ حقوق دریایی نیاز به مطالعهٔ تحلیلی قضیهٔ رومانی - آکراین به عنوان جدیدترین مورد تعیین حدود مناطق دریایی است. غیر از سه مورد نام برده سعی شده با بحث پیرامون مراحل طی شده از سوی دیوان برای تعیین مرزهای دریایی دو کشور در منطقهٔ

۱. اگرچه هیچ روش حل و فصل مسالمت‌آمیزی که با دخالت ثالث همراه باشد نسبت به سایر روش‌ها برتری ندارد، رویهٔ دولت‌ها نشان می‌دهد که در اختلافات مربوط به تعیین حدود، چه زمینی و چه دریایی، دولت‌ها ترجیح می‌دهند از روشی استفاده کنند که به یک حکم الزام‌آور قانونی ختم می‌شود. این روش‌ها دادگستری و داوری هستند. این انتخاب به این دلیل است که تمام هدفی که دولت‌ها در تعیین حدود دنبال می‌کنند، ترسیم یک مرز نهایی و دائمی توسط ثالث است: Rainer Lagoni & Daniel Vignes, Maritime delimitation, publications ocean development, Vol.53, Martinus Nijhoff publishers, 2006, 53.

2.. flexibility

3.. predictability

۴. باید گفت که برای فهم بهتر موضوع مقولهٔ انعطاف‌پذیری را می‌توان با شخصی بودن (subjectivity) و مقولهٔ قابل پیش‌بینی بودن را می‌توان با عین بودن (objectivity) قابل قیاس دانست.

5. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on Maritime Delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NILR, 2009, 398.

انحصاری اقتصادی و فلات قاره، تحلیل مختصری از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در تعیین مرزهای دریایی میان کشورهای رومانی - اُکراین در دریای سیاه ارائه شود.

**گفتار اول - سابقه اختلاف میان رومانی و اُکراین در مورد مرزهای خویش در دریای سیاه**  
دریای سیاه دریایی اندرونی میان اروپای جنوب خاوری و آناتولی است. مرز دریایی اُکراین ۱۹۵۹ کیلومتر است که از شمال شرقی ادسا آغاز و با طی کردن پنینسولا در غرب تاگانرگ به اتمام می‌رسد. رومانی نیز از شمال و شرق با اُکراین و از جنوب شرقی با دریای سیاه همسایه است.

اختلاف میان رومانی - اُکراین به تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی دو کشور در دریای سیاه بازمی‌گردد. به موجب موافقتنامه الحاقی به معاهده حسن همجواری و همکاری مصوب ۲ ژوئن ۱۹۹۷، دو دولت توافق کردند که برای تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی در دریای سیاه برای نیل به یک توافق به مذاکره مبادرت ورزند. این مذاکرات در ژانویه ۱۹۹۸ آغاز شد و به‌رغم انجام بیست‌و‌چهار دور مذاکره - که آخرین آنها در سپتامبر ۲۰۰۴ انجام شد - و با وجود اینکه ده دور از مذاکرات در سطح کارشناسان و متخصصان صورت گرفت، دو دولت در رسیدن به توافق ناکام ماندند. با توجه به شرایط موجود در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۴ رومانی دادخواستی را علیه اُکراین نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رساند. رومانی به پاراگراف ۱ از ماده ۳۶ اساسنامه دیوان و پاراگراف ۴، بند  $h$  از موافقتنامه الحاقی استناد کرد. به موجب پاراگراف ۴ بند  $h$  موافقتنامه الحاقی ما بین رومانی - اُکراین، در صورتی که پس از گذشت دو سال مذاکرات دو جانبه بدون حصول نتیجه‌ای باقی ماند، هر یک از طرفین مجاز خواهند بود موضوع تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی خویش با دولت دیگر را در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کنند. اگرچه طرفین در حصول شرایط لازم برای طرح اختلاف در دیوان هم عقیده بودند، ولی در مورد حیطة دقیق صلاحیت دیوان در رسیدگی به موضوع طبق موافقتنامه الحاقی، اختلافاتی داشتند. اُکراین معتقد بود که صلاحیت دیوان محدود به تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی میان طرفین می‌شود؛ بنابراین می‌توان مرز میان این دو منطقه را در نقطه‌ای خارج از محدوده دریای سرزمینی آغاز کرد، ولی به این نکته اشاره‌ای نکرد که مرز فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ممکن است در قسمت‌هایی منطبق با محدوده بیرونی دریای سرزمینی شود. در طرف مقابل رومانی معتقد بود که دیوان می‌تواند مرز مورد نظر را به شیوه اخیر تعیین کند. بنابراین دیوان در حکم خود، ابتدا به حیطة صلاحیت خود طبق پاراگراف ۴ بند  $h$  موافقتنامه الحاقی پرداخت. دیوان به این نتیجه رسید که درواقع

برای تعیین مرز بین دولت‌ها همواره کار مشکلی بوده است و تعیین مرز بین دیوان بین‌المللی دادگستری باید اصول قابل اعمال در مواد ۷۴ (۱) و ۸۳ (۱) کنوانسیون را برای تعیین مناطق دریایی دو کشور ملاک قرار دهد.<sup>۲</sup> در این ارتباط رومانی مدعی بود که اصول پذیرفته شده از سوی طرفین در موافقتنامه الحاقی ۱۹۹۷ برای مذاکرات دیپلماتیک و همچنین برای حل اختلاف موجود از طرف دیوان قابلیت اعمال دارند.<sup>۳</sup> با این حال دیوان بر این عقیده بود که اصول یاد شده فقط برای مذاکرات در مورد تعیین حدود مناطق دریایی مابین طرفین قابلیت اعمال دارد و شامل حقوق قابل اعمال به وسیله دیوان نیست، زیرا پاراگراف ۴ از موافقتنامه الحاقی به وضوح این نکته را روشن می‌سازد که طرفین باید برای رسیدن به توافق‌هایی در مورد تعیین حدود مناطق دریایی براساس این اصول مذاکره کنند. به علاوه دیوان بر این نظر بود که طبق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق دریاهای اعلامیه رومانی هیچ الزامی را برای دیوان جهت تفسیر کنوانسیون ۱۹۸۲ به ارمغان نمی‌آورد. بنابراین دیوان اعلام کرد که آن دسته از مواد کنوانسیون را که مرتبط با قضیه حاضر هستند، به همان نحو که در رویه خود تفسیر کرده برای حل این اختلاف اعمال خواهد نمود.<sup>۴</sup>

**گفتار دوم - حقوق قابل اعمال برای تعیین حدود مناطق دریایی میان رومانی - اُکراین**  
از آنجا که رومانی - اُکراین عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای هستند، دیوان بین‌المللی دادگستری باید اصول قابل اعمال در مواد ۷۴ (۱) و ۸۳ (۱) کنوانسیون را برای تعیین مناطق دریایی دو کشور ملاک قرار دهد.<sup>۲</sup> در این ارتباط رومانی مدعی بود که اصول پذیرفته شده از سوی طرفین در موافقتنامه الحاقی ۱۹۹۷ برای مذاکرات دیپلماتیک و همچنین برای حل اختلاف موجود از طرف دیوان قابلیت اعمال دارند.<sup>۳</sup> با این حال دیوان بر این عقیده بود که اصول یاد شده فقط برای مذاکرات در مورد تعیین حدود مناطق دریایی مابین طرفین قابلیت اعمال دارد و شامل حقوق قابل اعمال به وسیله دیوان نیست، زیرا پاراگراف ۴ از موافقتنامه الحاقی به وضوح این نکته را روشن می‌سازد که طرفین باید برای رسیدن به توافق‌هایی در مورد تعیین حدود مناطق دریایی براساس این اصول مذاکره کنند. به علاوه دیوان بر این نظر بود که طبق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق دریاهای اعلامیه رومانی هیچ الزامی را برای دیوان جهت تفسیر کنوانسیون ۱۹۸۲ به ارمغان نمی‌آورد. بنابراین دیوان اعلام کرد که آن دسته از مواد کنوانسیون را که مرتبط با قضیه حاضر هستند، به همان نحو که در رویه خود تفسیر کرده برای حل این اختلاف اعمال خواهد نمود.<sup>۴</sup>

**گفتار سوم - مراحل تعیین حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی در رأی دیوان**  
«تعیین مرز بین دولت‌ها همواره کار مشکلی بوده است و تعیین مرز بین دیوان بین‌المللی دادگستری باید اصول قابل اعمال در مواد ۷۴ (۱) و ۸۳ (۱) کنوانسیون را برای تعیین مناطق دریایی دو کشور ملاک قرار دهد.<sup>۲</sup> در این ارتباط رومانی مدعی بود که اصول پذیرفته شده از سوی طرفین در موافقتنامه الحاقی ۱۹۹۷ برای مذاکرات دیپلماتیک و همچنین برای حل اختلاف موجود از طرف دیوان قابلیت اعمال دارند.<sup>۳</sup> با این حال دیوان بر این عقیده بود که اصول یاد شده فقط برای مذاکرات در مورد تعیین حدود مناطق دریایی مابین طرفین قابلیت اعمال دارد و شامل حقوق قابل اعمال به وسیله دیوان نیست، زیرا پاراگراف ۴ از موافقتنامه الحاقی به وضوح این نکته را روشن می‌سازد که طرفین باید برای رسیدن به توافق‌هایی در مورد تعیین حدود مناطق دریایی براساس این اصول مذاکره کنند. به علاوه دیوان بر این نظر بود که طبق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق دریاهای اعلامیه رومانی هیچ الزامی را برای دیوان جهت تفسیر کنوانسیون ۱۹۸۲ به ارمغان نمی‌آورد. بنابراین دیوان اعلام کرد که آن دسته از مواد کنوانسیون را که مرتبط با قضیه حاضر هستند، به همان نحو که در رویه خود تفسیر کرده برای حل این اختلاف اعمال خواهد نمود.<sup>۴</sup>»

1. Elferic, Alex Oude, Maritime delimitation in the Black Sea (Romania V.UK raine), p. 1, available at [www.haguejusticeportal.net](http://www.haguejusticeportal.net)

2. Reports (2009) P.17, Paras.41-42.

3. Memorial submitted by Romani, vol I, 19 August 2005, PP.80-81, paras, 7.15, 7.16.

4. Reports (2009) P.17, Paras.41.

اصل در واقع روش اساسی و عمده تحدید حدود به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> با توجه به این مطالب و با در نظر گرفتن رویه دیوان در تحدید حدود مناطق دریایی، همان‌طور که انتظار می‌رفت در قضیه تحدید حدود میان رومانی - اُکراین نیز دیوان پس از مشخص کردن حقوق قابل اعمال برای حل اختلاف میان رومانی - اُکراین در پاراگراف ۱۱۶ رأی خود در مورد مراحل و روش تحدید حدود دریایی این‌چنین ابراز داشت:

«این مراحل جداگانه که به طور مفصل در قضیه مربوط به فلات قاره (جمهوری عرب لیبی / مالت) (حکم ۱۹۸۵ صفحه ۴۶، پاراگراف ۶۰) توضیح داد، در دهه‌های اخیر با دقت مشخص شده‌اند. ابتدا، دیوان یک خط موقت برای تحدید حدود رسم می‌کند و برای این منظور از روش‌هایی استفاده می‌نماید که از نظر هندسی عینی‌اند و همچنین برای جغرافیای منطقه‌ای مناسب است که تحدید حدود در آن انجام شود. تا آنجا که به تحدید حدود میان سواحل هم‌جوار مربوط می‌شود، یک خط متساوی‌الفاصله<sup>۲</sup> رسم می‌شود مگر اینکه دلایل قانع‌کننده‌ای وجود داشته باشد که این روش را در موارد خاص غیرممکن بنماید. (نگاه کنید اختلاف میان نیگاراگوئه و هندوراس در مورد مناطق دریایی و سرزمینی (نیکاراگوئه علیه هندوراس)، (رأی ۸ اکتبر ۲۰۰۷، پاراگراف ۲۸۱). همچنین تا آنجا که به سواحل مقابل یکدیگر مربوط می‌شود، خط موقتی تحدید حدود خط میانه بین دو ساحل است. هیچ‌گونه آثار حقوقی بر استفاده از عبارات خط میانه و خط متساوی‌الفاصله بار نمی‌شود، زیرا روش تحدید حدود برای هر دو یکسان است.»<sup>۳</sup>

بر طبق نظر دیوان فرایند تحدید حدود دریایی به سه مرحله تقسیم می‌شود: در اولین مرحله، خط متساوی‌الفاصله موقت رسم می‌شود. در مرحله دوم، دیوان وجود شرایط ذی‌ربط را بررسی می‌کند تا در صورت لازم خط متساوی‌الفاصله موقت را به منظور رسیدن به یک نتیجه منصفانه بر طبق آنها هماهنگ کند. در سومین و آخرین مرحله، دیوان در مورد عدم تناسب<sup>۴</sup> و اینکه آیا مرز تعیین حدود به یک نتیجه غیرمنصفانه منجر می‌شود یا نه؟

۱. رابین چرچیل و آلن لو، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷)، ۲۲۸.

۲. در ارتباط با خط متساوی‌الفاصله لازم به ذکر است هنگامی که برای اولین بار در اصطلاحات حقوقی به آن پرداخته شد، در جریان کارهای مقدماتی کنوانسیون‌های ژنو، کمیسیون حقوق بین‌الملل تصمیم گرفت که در مورد جنبه‌های ویژه‌ای از کار و توصیه‌های کمیته‌ای از متخصصان و کارشناسان استفاده کند. به همین منظور کمیسیون از کمیته‌ای از کارشناسان مربوطه خواست که به این موضوع رسیدگی کند که چگونه یک مرز دریایی در شرایطی که سواحل روبه‌رو یا هم‌جوار هم‌اند؛ باید تعیین شود. نظر کمیته این بود در مواردی که سواحل هم‌جوارند خط متساوی‌الفاصله ممکن است به یک راه‌حل منصفانه ختم نشود: Nuno sergio marques Antunes, the 1999 Eritrea-Yemen Maritime delimitation award and the development of International Law, ICLQ, Vol.50, April 2001,334.

3. Reports, Ibid, P. 37, Para.116. دیوان بین‌المللی دادگستری.

4. disproportionality test.

تحقیق می‌کند.<sup>۱</sup> این قسمت از رأی دیوان علاوه بر تعیین روش و مراحل تحدید حدود نکته قابل توجه دیگری هم دارد که مربوط می‌شود به ارجاع دیوان به رویه خود در تحدید حدود دریایی. این ارجاع علاوه بر تحکیم رویه قضایی دیوان بیانگر تغییر رویکرد دیوان از رهیافت انصاف نتیجه محور به سمت انصاف اصلاح‌کننده است. توضیح آنکه دیوان در تحدید حدود دریایی ابتدا از روش خط میانه یا متساوی‌الفاصله استفاده می‌کند که قابلیت پیش‌بینی زیادی دارد و سپس با توجه به شرایط ویژه هر قضیه از انصاف برای اصلاح خط میانه یا متساوی‌الفاصله استفاده می‌کند. در تأیید این مطلب می‌توان گفت که توجه دیوان به جغرافیای منطقه‌ای که تحدید حدود در آن انجام می‌شود، اهمیت بسیار دارد. این توجه بیانگر این مهم است که «به‌رغم امتیازات شناخته شده که روش متساوی‌الفاصله دارد، از دید دیوان در برخی شرایط جغرافیایی - که موارد آن کم هم نیست - اعمال آن ناعادلانه است».<sup>۲</sup> بنابراین دیوان برخلاف رهیافت انصاف نتیجه محور خود که در قضایای فلات قاره دریای شمال آن‌را پایه‌گذاری کرد (که از انعطاف‌پذیری بسیار زیادی برخوردار است) به سمت رهیافتی در حال حرکت است که قابلیت پیش‌بینی دارد و در آن ابتدا روشی عینی همچون خط متساوی‌الفاصله اعمال می‌شود. سپس با توجه به شرایط ویژه هر قضیه از انصاف به عنوان عاملی برای اصلاح خط متساوی‌الفاصله رسم شده استفاده می‌کنند که در اصطلاح به این رهیافت انصاف اصلاح‌کننده یا انصاف اصلاحی می‌گویند.<sup>۳</sup> بنابراین «دیوان به منظور اجرای اصول منصفانه‌ای که با توجه به اوضاع و احوال ذی‌ربط استخراج شده، چند مرحله را در پیش می‌گیرد، دیوان با انجام تحدید حدودی موقت آغاز کرده و سپس آن را با الزامات ناشی از معیارهای دیگر تطبیق می‌دهد که ممکن است اصلاح و تعدیل این نتیجه اولیه را بطلبد».<sup>۴</sup>

پیش از پرداختن به مراحل ترسیم مرز دریایی باید یادآوری نمود که دیوان بین‌المللی دادگستری و مراجع داوری چند بار در مقام مشخص ساختن مفهوم انصاف برآمده‌اند. برای مثال دیوان در قضیه تونس / لیبی تصویری این‌چنین از مفهوم انصاف ارائه داده است: «انصاف به عنوان یک مفهوم حقوقی تجلی مستقیم ایده عدالت است. دیوان ملزم به اعمال انصاف عادلانه (منصفانه) به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عام است. به هنگام اعمال

1. Ibid, Paras. 118-122.

۲. بلز، چیکاوا، چکیده رویه قضایی در حقوق بین‌المللی عمومی، ترجمه دکتر همایون حبیبی (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷)، ۱۲۱.

۳. در ادامه به این مطلب به طور مفصل‌تر پرداخته خواهد شد.

۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران، (آء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری. ج اول (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی)، ۴۵۳.

حقوق بین‌الملل پوزیتیویستی، یک دادگاه ممکن است از میان چند تفسیر از حقوق، آن تفسیری را برگزیند که با در نظر گرفتن شرایط دعوی با الزامات عدالت بیشترین تقارب را داشته باشد.<sup>۱</sup>

### بند اول - مرحله اول: ترسیم خط متساوی‌الفاصله موقت

#### ۱. شناسایی سواحل و مناطق دریایی مرتبط

در اولین مرحله از تحدید حدود مناطق دریایی به منظور ترسیم خط متساوی‌الفاصله موقت لازم است تا سواحل ذی‌ربط مشخص شوند.<sup>۱</sup> در قضیه رومانی - اُکراین، دیوان بر این نظر بود که تمام سواحل رومانی در مجاورت منطقه تحدید حدود قرار دارد، در نتیجه سواحل به منزله سواحل ذی‌ربط هستند. در مورد سواحل اُکراین، دیوان معتقد بود که سواحل خلیج کارکینیتساکا بخشی از سواحل مرتبط را تشکیل نمی‌دهند، زیرا این سواحل در روبه‌روی یکدیگر قرار دارند و گستره تحت‌البحری آنها بر طول سواحل رومانی مماس نیست. علاوه بر این دیوان معتقد بود که سواحل جزیره مارها<sup>۲</sup> بیش از حد کوتاه است که بتواند تغییری واقعی در طول کلی سواحل طرفین ایجاد کند.<sup>۳</sup>

#### ۲. انتخاب نقاط مبدأ در سواحل رومانی

در مرحله بعد دیوان نقاط مبدأ مرتبط را برای کشیدن خط متساوی‌الفاصله موقت مشخص کرد. با توجه به سواحل رومانی، دیوان استفاده از ساکالین پنین سولا<sup>۴</sup> را برای نقطه مبدأ مناسب تشخیص داد. همچنین دیوان بر این نظر بود که نقطه پایانی سد سولینا<sup>۵</sup> که به سمت دریاست نقطه مناسبی برای مبدأ ترسیم خط متساوی‌الفاصله موقت برای تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی نیست و بهتر است نقطه‌ای از سد که به سمت خشکی است به عنوان نقطه مبدأ برای ترسیم خط متساوی‌الفاصله موقت در نظر گرفته شود.<sup>۶</sup>

1. Tanaka, Yoshifumi Reflections on maritime delimitation in the Qatar/Bahrain case, ICLQ, Vol.52, January 2003, 59

2. Serpent's Island

3. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on Maritime Delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NILR, 2009, 403

4. Sacaline Peninsula

5. Sulina Dyke

6. Reports (2009), 41-44, Paras. 129, 138, 141. دیوان بین‌المللی دادگستری.



### ۳. انتخاب نقاط مبدأ در سواحل اُکراین

از آنجا که سواحل اُکراین از دو قسمت تشکیل می‌شود به این نحو که یک قسمت از سواحل در مجاورت سواحل رومانی است و قسمتی دیگر مقابل سواحل رومانی، نیاز به انتخاب نقاط مبدأ در هر دو قسمت است. در مورد سواحل اُکراین که همجوار سواحل رومانی است، دیوان بر این نظر بود که استفاده از لبه جنوب شرقی جزیره تی سای گانکا<sup>۱</sup> مناسب است که نقطه مقابل پایانه سد سولینا به سمت خشکی در طرف رومانی است. در طرف مقابل، دیوان تشخیص داد که جزیره کوبانسکی<sup>۲</sup> تا جایی که مربوط به نقطه مبدأست، غیر مرتبطاند، زیرا این جزیره هیچ‌گونه تأثیری بر خط متساوی‌الفاصله که با در نظر گرفتن جزیره تی سای گانکاریسم شده ندارد و همچنین بر پایانه سد سولینا که به سمت خشکی است. در مورد آن قسمت از سواحل اُکراین که مقابل سواحل رومانی قرار دارد، دیوان استفاده از دماغه تارخانکوت<sup>۳</sup> و فرسونس<sup>۴</sup> را به عنوان نقاط مبدأ مرتبط مناسب تشخیص داد.<sup>۵</sup>

### بند دوم - در نظر گرفتن شرایط ویژه یا مرتبط

«شرایط ویژه نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و اعمال اصول منصفانه تعیین حدود ایفا می‌کند».<sup>۶</sup> از آنجا که اصول تعیین محدود باید با توجه به کلیه شرایط ویژه اعمال شود، حتماً باید نقش این شرایط را در چگونگی اعمال این اصول و نتیجه معقول حاصله بررسی نمود. «حسب کنوانسیون ۱۹۵۸ فلات قاره، مفهوم شرایط ویژه و شرایطی از عدل و انصاف است که برای تعدیل قاعده تساوی به کار گرفته می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال در سال ۱۹۶۹ در خصوص تعریف صحیح و دقیق از شرایط ویژه تردید نمود. دیوان فقط تأکید کرد که تعیین حدود باید براساس اصول انصاف و با توافق و در نظر گرفتن همه اوضاع و شرایط مربوطه صورت گیرد»<sup>۷</sup> هنگامی که در قضایای فلات قاره دریای شمال دیوان اشاره کرد که اصول منصفانه باید با در نظر گرفتن شرایط

1. Tsyganka.

2. Kubansky.

3. Cape Tarkhankut.

4. Cape Khersones.

5. Reports (2009), 41-45, Paras.128-148.

۶. ناظمی، مهرداد، دریای خزر و حقوق بین‌الملل: «گزینه‌های متفاوت با توجه به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی ۲۶ و ۲۷ (۱۳۸۰-۱۳۸۱)، ۳۳۱.

۷. پورنوری، منصور و محمد حبیبی، حقوق بین‌الملل دریاها کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب ۱۹۸۲)، (تهران: مهد حقوق، ۱۳۸۶)، ۸۴-۸۵.

ویژه اعمال شود، ادعاهای بسیاری در مورد این شرایط دامن زده شد.<sup>۱</sup> در قضایای بعد از آن که از طرف دیوان و دیوان‌های داوری بررسی شد، مثال‌های شرایط ویژه توسعه یافت و مورد پذیرش قرار گرفت.<sup>۲</sup> اصطلاح اوضاع و احوال ویژه دارای محدوده گسترده‌ای است که ممکن است بر حسب مناسبت‌های متفاوت به نحو گوناگونی گروه‌بندی شود. مثلاً وضعیت جغرافیایی در قضیه فلات قاره دریای شمال به عنوان شرایط ویژه برای انصراف از قاعده منصف قلمداد شد.<sup>۳</sup> بنابراین «ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی بخشی از این شرایط ویژه را تشکیل می‌دهد که اهمیت آنها می‌تواند در برخی موارد موجب تغییر یا حتی کنار گذاشتن بعضی روش‌های تحدید حدود و تقسیم، نظیر اصل خط میانی یا متساوی‌الفاصله گردد».<sup>۴</sup>

«مطالعه شرایط ذی‌ربط با توجه به نقشی که آنها در فرایند تحدید حدود ایفا می‌کنند حایز اهمیت است. این موضوع از این منظر که شرایط مرتبط در مورد تحدید حدود تأثیرگذارند، دارای ارزش است. شرایط مرتبط اغلب برای اعمال در یک چارچوب یا روش خاص در نظر گرفته می‌شوند، از قبیل اصول منصفانه یا خط متساوی‌الفاصله<sup>۵</sup> که به عنوان عامل پُر رنگ در پروسه تحدید حدود معرفی می‌شوند».<sup>۵</sup> همچنین نکته مهم که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد این است که اهمیت شرایط مرتبط در ارتباط با روش برگزیده شده ممکن است متغیر باشد. توضیح آنکه «گاه تفکیکی میان ارتباط عمودی و افقی این شرایط با روش اصلی تحدید حدود در نظر گرفته می‌شود. به این شکل که در ارتباط عمودی، شرایط مرتبط تصحیح‌کننده یا به عبارت دیگر کامل‌کننده نقابص ایجاد شده به موجب اعمال یک روش خاص است. در ارتباط افقی، شرایط مرتبط جزء لاینفک روش اعمال شده برای تحدید حدود هستند».<sup>۶</sup>

۱. با استناد به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای تحدید حدود دریای شمال می‌توان دریافت شرایط ویژه نقش تعیین‌کننده‌ای در تحدید حدود و تقسیم و در نتیجه در میزان سهمیه سه کشور ساحلی ذی‌نفع ایفا نموده است: ناظمی، پیشین، ۳۲۲.

2. Malcolm, D. Evans, the maritime Delimitation Between Eritrea and Yemen, Leiden Journal of International Law, Vol. 14, 2001, 159

۲. ناظمی، پیشین، ۸۵.

۳. همان، ۳۱۴.

۴. در ارتباط با خط متساوی‌الفاصله به عنوان یک روش شناخته شده تحدید حدود دریایی باید گفت مدت زمان زیادی است که نقش این روش در تحدید مرزی منطقه انحصاری و فلات قاره بحث برانگیز بوده است. با وجود تصویب این روش به عنوان روش اصلی تحدید حدود در ماده ۶ کنوانسیون فلات قاره (۱۹۵۸)، دیوان در قضایای فلات قاره دریای شمال اعلام داشت که این روش جزو حقوق بین‌الملل عرفی نیست و تحدید حدود باید با در نظر گرفتن تمام شرایط مرتبط براساس اعمال اصول منصفانه باشد. این موضوع امکان وجود دو استاندارد مختلف را به همراه داشت، یکی قاعده قراردادی خط متساوی‌الفاصله و دیگری قاعده عرفی اصول منصفانه: Ibid., 150.

6. Ibid, 4.

### ۱. عدم تناسب یا طول سواحل

در دومین مرحلهٔ تحدید حدود، دیوان منصفانه بودن خط متساوی‌الفاصلهٔ موقت را با در نظر گرفتن شرایط مرتبط، بررسی می‌کند. اولین عامل در مورد عدم تناسب میان طول سواحل طرفین است. اُکراین معتقد بود که عدم تناسب واضحی که بین طول سواحل طرفین وجود دارد یک وضعیت مرتبط را ایجاد می‌کند و بنابراین خط متساوی‌الفاصلهٔ موقت ترسیم شده از سوی دیوان باید از طریق نزدیک‌تر کردن آن به سواحل رومانی با وضعیت موجود هماهنگ شود. در طرف مقابل، رومانی عدم تناسب میان طول سواحی طرفین را به عنوان وضعیت مرتبط در این قضیه تلقی نمی‌کند.

دیوان پذیرفت که عدم تناسب و هماهنگی میان طول سواحی می‌تواند یک وضعیت مرتبط باشد و قابلیت این را دارد که تغییراتی را در خط متساوی‌الفاصلهٔ موقت ایجاد کند. از طرف دیگر دیوان تصمیم گرفت که در قضیهٔ رومانی - اُکراین، هیچ‌گونه عدم تناسب آشکاری میان سواحل مرتبط طرفین وجود ندارد که دیوان را ملزم به اعمال تغییراتی در خط متساوی‌الفاصلهٔ موقت کند.<sup>۱</sup>

این دیدگاه دیوان با توجه به رویهٔ قبلی آن قابل بحث است، زیرا شعبهٔ دیوان در قضیهٔ خلیج ماین بر این عقیده بود که تفاوت در طول سواحل میان ایالات متحد و کانادا به طور ویژه‌ای نمایانگر است و بنابراین لازم دانست که خط میانهٔ موقت را در مرحلهٔ دوم تحدید حدود، براساس عدم تناسب طول سواحل طرفین تصحیح کند. این رویهٔ دیوان بیانگر این نکته است که دیوان بیش از آنکه به عینی بودن یا قابل پیش‌بینی بودن روش تحدید حدود ارزش نهد، به شخصی بودن یا انعطاف‌پذیر بودن روش‌های تحدید حدود اعتقاد دارد که این خود قابل انتقاد است.<sup>۲</sup>

### ۲. ماهیت بسته نبودن دریای سیاه

رومانی ادعا کرد که بسته نبودن دریای سیاه یک وضعیت مرتبط را به وجود می‌آورد. به ویژه رومانی بر این عقیده بود که تمام موافقتنامه‌های تحدید حدود منعقد شده در دریای سیاه، روش خط متساوی‌الفاصله را برگزیده‌اند و بنابراین هر گونه تحدید حدود جدیدی نباید به طور مشخصی از روش‌های قبلی استفاده شده در همان منطقه منفعک باشد.

در این ارتباط دیوان اظهار داشت که ترسیم خط متساوی‌الفاصلهٔ موقت با موافقتنامه‌های موجود در ارتباط با تحدید حدود در دریای سیاه به دیوان تحمیل نمی‌شود. بنابراین

1. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on Maritime Delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NILR, 2009, 407-408

۲. در قسمت‌های آتی به این انتقادات پرداخته خواهد شد.

دیوان اعلام داشت که هیچ‌گونه تغییر یا اصلاحی در خط متساوی‌الفاصله به دلیل وجود موافقتنامه‌های پیشین و ماهیت بسته نبودن دریای سیاه لازم نیست.<sup>۱</sup> در این ارتباط لازم به ذکر است «از آنجا که هر مورد تحدید حدود ویژگی‌های خاص خود را دارد، به نظر می‌رسد که قضات بین‌المللی با مشخص کردن اجزای اصول و قواعد بین‌المللی تحدید حدود به صورت «توافق»، «اصول منصفانه» و «شرایط ویژه»، چگونگی تلفیق و ترکیب این اجزا را به عهده خود کشورهای ساحلی گذاشته‌اند. در مورد اصل خط متساوی‌الفاصله نیز از آنجا که در بسیاری از موارد اعمال این اصل نتیجه‌ای عادلانه و در برخی موارد نتیجه نامعقول و غیرعادلانه دربردارد، ظاهراً قضات بین‌المللی انتخاب این اصل و چگونگی اعمال آن را نیز به کشورهای ساحلی واگذار کرده‌اند تا خود این کشورها با شناخت تمام شرایط ویژه، روش مناسب را طی مذاکرات انتخاب نمایند. بنابراین، به نظر می‌رسد که هیچ روش خاصی از تقسیم و تحدید حدود بتواند با پافشاری یکی از طرفین در جهت قبولاندن آن به عنوان روش اجباری و واحد به سایر کشورهای ساحلی ذی‌نفع در حین مذاکرات، از توجیه حقوقی معقول و قابل قبولی برخوردار باشد. به همین دلیل نیز، قضات بین‌المللی در مورد قضایای تحدید حدود فلات قاره دریای شمال مواضع کشورهای هلند و دانمارک را در خصوص اعمال اجباری اصل خط متساوی‌الفاصله به منظور مشخص نمودن سهم کشور آلمان غیرقابل توجیه دانسته و حکم خود را در تأیید مواضع آلمان در خصوص رعایت سهمیه منصفانه این کشور صادر نموده‌اند»<sup>۲</sup>

### ۳. وجود جزیره مارها

نقش دقیق جزایر در تحدید حدود فلات قاره پرسش‌هایی نظیر اینکه آیا آنها جزو خشکی محسوب می‌شوند یا چه خصوصیتی از آنها مانند فاصله تا خشکی و جمعیت در نظر گرفته شود؛ مطرح بوده است. میزان نقشی که جزیره ممکن است داشته باشد متفاوت است. بعضی وقت‌ها به جزایر نقش کامل یا نقص یا هیچ نقشی در تحدید حدود فلات قاره داده نمی‌شود. به طور کلی تعیین نقش دقیق جزایر ساحلی در تقسیم عادلانه فلات قاره به علت موقعیت جغرافیایی آنها و اینکه آیا باید عنوان خطوط مبدأ برای ترسیم خط میانی مد نظر باشد یا نه؟ کار مشکلی است. مسلماً تعیین یک مقررات کلی و جامع مشکل است و به نظر می‌رسد

1. Ibid, 408

۱. ناظمی، پیشین، ۳۱۴-۳۱۵.

تحدید حدود عمده فلات قاره دریای شمال با اعمال اصل متساوی‌الفاصله انجام گرفت. فقط آلمان با اعمال این اصل در بخش مقعر دریا به دلیل غیرمنصفانه بودن نتیجه آن مخالفت ورزید، در صورتی که هلند و دانمارک از این روش طرفداری می‌کردند: پیشین، ۳۲۱.

در هر مورد با توجه به خصوصیات ویژه‌ای اظهار نظر کرد.<sup>۱</sup> که موضوع را احاطه نموده است. در قضیه رومانی - اُکراین نیز در مرحله دوم تحدید حدود که در نظر گرفتن شرایط و وضعیت‌های مرتبط با موضوع است، وجود جزیره مارها در پیشگاه دیوان مطرح شد. بر این اساس رومانی مدعی بود که جزیره مارها یک صخره غیرقابل سکونت و فاقد حیات اقتصادی است و براساس ماده ۱۲۱ بند ۳ کنوانسیون حقوق دریاهای فاقد منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره است. بر طبق نظر رومانی، جزیره مارها، فقط در قسمتی از منطقه تحدید حدود که سواحل همجوار هستند می‌تواند به عنوان یک وضعیت مرتبط تلقی شود<sup>۲</sup> و بر این اساس خط متساوی‌الفاصله باید تغییر جهت داده شود و تا ۱۲ مایل دریایی اطراف جزیره به چرخش درآید.<sup>۳</sup>

در طرف مقابل اُکراین معتقد بود که جزیره مارها بایستی به عنوان یک جزیره ساحلی در نظر گرفته شود؛ زیرا فاصله آن تا سواحل اُکراین حدود ۲۰ مایل دریایی است و به این ترتیب دریای سرزمینی این جزیره در قسمت‌هایی با محدوده دریای سرزمینی سرزمین اصلی اُکراین تداخل پیدا می‌کند.

اُکراین همچنین اظهار داشت جزیره مارها بدون شک یک جزیره طبق تعریف ماده (۲) ۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست تا یک صخره، زیرا این جزیره قابلیت این را دارد که حیات بشری روی آن برقرار شود و همچنین می‌تواند حیات اقتصادی مستقل خود را داشته باشد. به ویژه اینکه جزیره مارها حیات گیاهی و منابع آب آشامیدنی و ساختمان‌ها و تأسیسات مناسب برای یک جمعیت فعال را داراست. سرانجام اُکراین اعلام داشت ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای به پروسه تحدید حدود در قضیه حاضر مربوط نمی‌شود، زیرا این پاراگراف به درخواست تحدید حدود ربطی ندارد و بیشتر یک شرط برای مالکیت و حق است که هیچ‌گونه کاربرد عملی برای تحدید حدود منطقه‌ای از دریا که ۲۰۰ مایل دریایی با سواحل اصلی فاصله دارد، بر آن مترتب نیست.

دیوان مستقیماً نسبت به این ادعاها واکنش نشان نداد، ولی به جای آن چنین حکم کرد که جزیره مارها دارای دریای سرزمینی به عرض ۱۲ مایل است؛ اما هیچ تأثیری دیگری بر تحدید حدود میان دو کشور ندارد. این نظر دیوان با توجه به تأثیر نامطلوبی که جزیره کوچک مارها می‌توانست بر تحدید حدود بجای گذارد، قابل توجیه به نظر می‌رسد. به نظر

۲. پورنوری، پیشین، ۹۳-۹۴.

۱. همچنین باید اشاره کرد: «هنگامی که تحدید حدود متوجه کشورهای است که سواحل آنها در مقابل یکدیگر واقع شده‌اند عواملی که معمولاً به عنوان شرایط ویژه می‌توانند آثار منفی خود را در ارتباط با اعمال اصل خط میانی ایجاد نمایند وجود جزایر و برآمدگی‌های کف دریا (در اثر تحولات زمین‌شناسی) هستند. ناظمی، پیشین، ۳۲۷.

3. Ibid, 409.

دیوان ملحوظ کردن جزیره مارها به عنوان بخشی از سواحل مرتبط اُکراین، منجر به این می‌شود که یک عامل اضافی و فرعی به خطوط ساحلی اُکراین پیوند خورد که این خود خارج شدن جغرافیای منطقه از حالت طبیعی‌اش را به همراه خواهد داشت، موضوعی که نه قانون و نه رویه تحدید حدود و آن را تجویز می‌کند.<sup>۱</sup>

سرانجام دیوان ابراز داشت که وجود جزیره مارها منجر به ایجاد اصلاحاتی در خط متساوی الفاصله موقت نمی‌شود. اگرچه دیوان به صورت صریح نظرش را در مورد وضعیت حقوقی جزیره مارها ابراز نکرد، اما به نظر می‌رسد راه حل دیوان همان اثری را بجای می‌گذارد که تلقی جزیره به عنوان صخره به بار می‌آورد.

#### ۴. رفتار طرفین

در غیاب هرگونه مرز دریایی که رسماً میان دولت‌ها مورد توافق باشد، رفتار آنها قبل از بروز اختلاف تحدید حدود می‌تواند یک وضعیت مرتبط قابل توجه به حساب آید. رأی ۱۹۸۲ دیوان در قضیه تونس - لیبی، اولین موردی است که رفتار طرفین به عنوان یک وضعیت مرتبط جهت دستیابی به یک نتیجه منصفانه مورد پذیرش واقع شده است.<sup>۲</sup>

در قضیه رومانی - اُکراین نیز این موضوع مورد توجه طرفین و دیوان قرار گرفت. «اُکراین مدعی بود که فعالیت‌های رومانی یا نبود آنها مغایر با موضع‌گیری رومانی در پیشگاه دیوان است. به علاوه اُکراین مدعی شد که فعالیت‌هایش در ارتباط با نفت و ماهیگیری منطبق با خط مرزی ترسیم شده از سوی این کشور است. رومانی ارتباط فعالیت دولت‌هایی را در اختلاف رومانی - اُکراین رد کرد».<sup>۳</sup> دیوان مستفاد از رأی دیوان داوری میان باربادوس و تیرینیداد و توباگو اعلام داشت که هیچ‌گونه نقش ویژه‌ای برای رفتار دولت‌ها در قضیه تحدید حدود حاضر مشاهده نمی‌کند. دیوان همچنین با ارجاع به حکم خود در قضیه خلیج ماین اعلام کرد که هیچ مدرکی دال بر این وجود ندارد<sup>۴</sup> که ترسیم مرز دیگری غیر از آنکه از طرف اُکراین ادعا شده آثار ناگواری بر امرار معاش و رفاه اقتصادی مردم به دنبال خواهد داشت.

1. Jon M. Van Dyke, The Romania V. Ukraine Decision and its effect on east Asian maritime delimitations, Ocean and coastal Law Journal, Vol.15,2010, 261.

2. Dundua, Nugzar, Delimitation of maritime boundaries between adjacent states, United Nation, Nippon Foundation Fellow, 2006-2007, 74.

3. Tanaka, Ibid, 409-410.

4. Reports (2009).59, Para. 198. دیوان بین‌المللی دادگستری.

### ۵. کوتاه شدن طول سواحل طرفین

رومانی مدعی بود که خط مرزی ترسیم شده اُکراین منجر به کوتاهی مناطقی دریایی رومانی در طول سواحلش می‌شود. در طرف مقابل، اُکراین مدعی بود که مرز ادعا شده رومانی منجر به کوتاهی مناطقی دریایی اُکراین در اطراف جزیره مارها و مناطق جنوبی ساحل سرزمین اصلی اُکراین می‌شود.<sup>۱</sup> در این ارتباط دیوان مشاهده کرد که خطوط تحدید حدود ادعا شده از سوی طرفین، هر کدام به طور قابل توجهی منجر به کوتاه شدن مناطقی دریایی طرف دیگر در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی می‌شود؛ اما با وجود این، خط متساوی‌الفاصله موقت ترسیم شده به دست دیوان از این اتفاق جلوگیری می‌کند. بنابراین دیوان اعلام کرد که هیچ دلیلی مبنی بر انطباق خط متساوی‌الفاصله موقت در این خصوص وجود ندارد.<sup>۲</sup>

### ۶. ملاحظات امنیتی

آخرین مورد از شرایط مرتبط که در رأی رومانی - اُکراین به آن پرداخته شد، نقش عوامل امنیتی در ارتباط با تحدید حدود است. «ارزش این عوامل در قضیه فلات قاره فرانسه و انگلیس بحث شد. دیوان داوری معتقد است که این عوامل اثر قطعی بر تحدید حدود فلات قاره ندارند، بلکه برای ایجاد تعادل نسبی به کار برده می‌شوند. دیوان نتیجه گرفت که این عوامل ممکن است برای حمایت و تقویت روش پیشنهادی برای تحدید حدود باشد، اما نمی‌تواند روشی را نفی نماید. در قضیه فلات قاره لیبی و مالت دیوان بین‌المللی دادگستری تحلیلی بر این عوامل نداشت، اما آنها را بی‌ربط در قضیه ندانست».<sup>۳</sup>

در قضیه رومانی - اُکراین نیز در حالی که رومانی مدعی بود که مرز ترسیم شده به وسیله اُکراین بدون دلیل و توجیهی بسیار نزدیک به سواحل رومانی است و منافع امنیتی رومانی را به خطر می‌اندازد، اُکراین بر این باور بود که خط تحدید حدود مشخص شده‌اش، به هیچ عنوان منافع امنیتی رومانی را خدشه‌دار نمی‌کند.

«طبق نظر دیوان همان‌گونه که در حکم ۱۹۸۵ میان لیبی و مالت بیان شده بود، ملاحظات امنیتی مشروع می‌تواند در فرایند تحدید حدود تأثیرگذار باشد، با این حال دیوان معتقد بود که خط متساوی‌الفاصله ترسیم شده از طرف دیوان در قضیه حاضر کاملاً با منافع امنیتی هر دو طرف سازگار است و بنابراین هیچ نیازی به اصلاح آن براساس ملاحظات امنیتی دیده نمی‌شود».<sup>۴</sup>

1. Tanaka, Ibid, 410.

2. Reports (2009) 60-61, Para.201. دیوان بین‌المللی دادگستری.

۳. پورنوری، پیشین، ۹۳.

3. Reports (2009) 61, Para. 204. دیوان بین‌المللی دادگستری.

**بند سوم - آزمون عدم تناسب<sup>۱</sup>**

سومین و آخرین مرحله از تحدید حدود دریایی مربوط به قاعدهٔ تناسب می‌شود. «عنصر درجه و میزان معقولی از تناسب، یعنی اینکه تحدید حدود انجام شده مطابق اصول منصفانه باید بین گسترهٔ مناطق فلات قاره متعلق به کشور ساحلی و طول بخش ذی‌ربط ساحل آن تناسب به وجود آورد»<sup>۲</sup> «متداول شدن این قاعده در واقع از قضیهٔ فلات قارهٔ دریای شمال نشأت گرفت. در آن قضیه به دو صورت از آن استفاده شد: نخست برای تعیین تناسب طول ساحل و فلات قاره و دوم به عنوان یک محک برای تعیین عادلانه یا معقول و نامعقول بودن تحدید حدود. اصل تناسب همچنین در قضیهٔ فلات قارهٔ تونس و لیبی مورد تأیید دیوان قرار گرفت. در این قضیه دیوان به آن، به عنوان یک معیار عدالت و یک اصل اشاره نمود که لازمهٔ احراز تحدید حدود عادلانه است. دیوان اظهار کرد که طبق اصول عدالت باید تا یک اندازهٔ معقول بین وسعت فلات قارهٔ دولت‌ها و سواحل آنها تناسب باشد. به علاوه در جایی دیگر دیوان این اصل را یک اصل تصحیحی برای احتراز از آثار ناموجه ساحل مقعر یک دولت بر وسعت فلات قاره قلمداد کرد. بنابراین، رسالت این اصل مقایسهٔ سواحل دولت‌های منازع از فلات قاره مورد تنازع است که به آنها تعلق می‌گیرد»<sup>۳</sup>. برخلاف موارد قبلی، دیوان در قضیهٔ رومانی - آکراین بین عامل عدم تناسب و سایر شرایط مرتبط قائل به تفکیک شد. بر طبق نظر دیوان، طول سواحل مرتبط رومانی تقریباً ۲۴۸ کیلومتر است، در حالی که طول سواحل مرتبط آکراین تقریباً ۷۰۵ کیلومتر است. بنابراین نسبت میان طول سواحل رومانی و آکراین تقریباً برابر با ۲/۸: ۱ است، این در حالی است که نسبت میان مناطق مرتبط بین آکراین و رومانی تقریباً ۲/۱: ۱ است، به این ترتیب دیوان اعلام کرد که خط متساوی‌الفاصله هیچ تغییری نیاز ندارد. سرانجام دیوان همان‌طور که در تصویر شمارهٔ ۳ (ضمیمه) مشخص شده، یک مرز دریایی واحد ترسیم کرد که فلات قاره و منطقهٔ انحصاری اقتصادی طرفین را از هم تفکیک می‌کند. این مرز دریایی از نقطهٔ ۱ شروع شده و قوس ۱۲ مایل دریای سرزمینی جزیرهٔ مارها را طی کرده تا جایی که به یک خط متساوی‌الفاصله از سواحل همجوار طرفین رسید. این

لازم به ذکر است در قضیهٔ گرینلند و سن ماین نیز دیوان اعلام داشت که در موارد شخص، ملاحظات امنیتی می‌تواند به عنوان یک وضعیت مرتبط در نظر گرفته شود؛ ولی تنها در مواردی که خط تحدید حدود به سواحل یکی از طرفین بسیار نزدیک باشد:

Jiuyong, Shi, Maritime delimitation in Jurisprudence of the ICJ, Chinese Journal of International Law (2010), 289.

1. The disproportionality test.

۲. ضیائی بیگدلی، پیشین، ۳۶۳.

۳. پورنوری، پیشین، ۹۵-۹۶.



مرز از نقطه ۲ در طول خط متساوی‌الفاصله در سمت جنوب‌شرقی تا نقطه ۳ و ۴ و ۵ ادامه می‌یابد. بعد از رسیدن به نقطه ۵، مرز مذکور تا منطقه‌ای ادامه پیدا می‌کند که با حقوق دول ثالث تلاقی پیدا می‌کند. نکته‌ای که در قضیه رومانی - اُکراین بسیار حایز اهمیت است هم رأی بودن ۱۵ قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری است که بی‌شک سبب خواهد شد حکم صادره از سوی دیوان در این قضیه تأثیر قابل توجهی را بر رویه بعدی دیوان در قضایای آتی به همراه داشته باشد.

### گفتار چهارم - چگونگی تفسیر دیوان از ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها در

#### رأی ۲۰۰۹ و جزیره مارها

یکی از بحث برانگیزترین مواد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ماده (۳) ۱۲۱ است که می‌گوید: صخره‌هایی که قابل سکونت برای بشر نیستند و از خود حیات اقتصادی ندارند، نباید هیچ‌گونه منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره داشته باشند. در واقع تفسیر حقوقی از این ماده و ارتباط آن با رویه دولت‌ها، موجب بحث‌ها و اختلاف نظرهایی میان نویسندگان شده است.<sup>۱</sup>

رأی دیوان در قضیه رومانی - اُکراین فرصت بسیار خوبی بود تا دیوان در ارتباط با جزیره مارها با تفسیری که از ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها به عمل می‌آورد؛ به اصطلاحات مبهم این ماده معنایی دقیق بخشد.

«جزیره مارها تنها جزیره در دریای سیاه به شمار می‌رود (البته جز معدود جزایری که در پهلوی سواحل قرار دارند). این جزیره ۱۷/۰ کیلومتر مربع (یا ۱۷ هکتار) مساحت دارد و در فاصله ۳۵ کیلومتری شرق جلگه دانوب واقع شده است، جلگه‌ای که مرز میان رومانی و اُکراین را تشکیل می‌دهد. جزیره مارها اگرچه دارای یک فانوس دریایی است که از سال ۱۸۰۰ روی آن تعبیه شده، ولی فاقد منابع آب آشامیدنی است و از نظر تاریخی هرگز دارای حیات بشری نبوده است. اخیراً اُکراین تأسیساتی را به همراه یک اسکله روی این جزیره ساخت تا به ادعای خود مبنی بر اینکه این جزیره مناطق دریایی دارد، استحکام بخشد. گفته می‌شود نام این جزیره برگرفته شده از مارهایی است که در زمان‌های باستان روی جزیره در یک مقبره می‌زیستند. اخیراً مناطق دریایی اطراف این جزیره در کانون توجه قرار گرفته، زیرا اکتشافات اخیر حاکی از آن است که منابع زیادی از نفت و گاز طبیعی در اطراف جزیره وجود دارد. اگرچه حاکمیت بر جزیره مارها در سال‌های طولانی مورد مناقشه بوده، ولی در

1. Nuno sergio margues Antunes, the 1999 Eritrea-Yemen Maritime delimitation award and the development of International Law, ICLQ, Vol.50, April 2001, 328.

سال ۱۹۹۷ رومانی پذیرفت که این مکان به اُکراین تعلق دارد. رومانی در پیشگاه دیوان بیان داشت که اُکراین در سال ۱۹۹۷ توافقنامه‌ای با این کشور منعقد کرده که طبق آن دو کشور توافق کرده‌اند جزیره مارها طبق ماده (۳) ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ یک صخره است و در نتیجه در پروسه تحدید حدود دریایی بین دو کشور تأثیرگذار نیست، اما اُکراین این ادعا را رد کرد و اعلام داشت که ارجاع به ماده (۳) ۱۲۱ در اعلامیه رومانی انجام گرفته و اُکراین این اعلامیه را نپذیرفته و بنابراین ادعاهای رومانی فاقد توجیه قانونی است.<sup>۱</sup> پس از شنیدن ادعاهای طرفین «دیوان از ابراز یک تعریف مشخص برای کلمات ماده (۳) ۱۲۱ طبق نظر خود اجتناب کرد، ولی با تعیین کردن این امر که جزیره کوچک مارها (که متعلق به اُکراین است) هیچ تأثیری بر مرز دریایی ندارد، دیوان بر این موضوع صحه گذاشت که جزایر کوچک غیرقابل سکونت، بر تحدید حدود تأثیرگذار نیستند یا تأثیر کمی دارند و این‌گونه جزایر نباید مناطق دریای توسعه یافته داشته باشند».<sup>۲</sup> اگرچه دیوان در رأی رومانی - اُکراین به طور کامل مسأله چگونگی تفسیر ماده (۳) ۱۲۱ را حل نکرد، تصمیم دیوان که به طور قابل توجهی منافع رومانی را تأمین می‌کرد، تصمیم‌های گذشته را که به طور یکسانی مبنی بر این بودند که جزایر کوچک نباید در تحدید حدود درن ظر گرفته شوند یا تأثیر کمی بر آن داشته باشند؛ تأیید کرد. همچنین این مهم که جزایر ظرفیت یکسانی با سرزمین‌های وسیع در داشتن مناطق دریایی ندارند؛ مورد تأیید قرار گرفت.

**گفتار پنجم - متدولوژی تحدید حدود مناطق دریایی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری:** نوسان میان رهیافت انصاف نتیجه محور و رهیافت انصاف اصلاح‌کننده «بی‌تردید مهم‌ترین هدف هر نظام حقوقی از وضع مقررات حقوقی تحقق عدالت است و بدیهی است که این وضع، در پی به نظم کشیدن روابط موجود در بین تابعان نظام حقوقی با در نظر داشتن وقایع قابل پیش‌بینی و به صورت کلی صورت می‌پذیرد. همچنین به سبب متنوع بودن اوضاع و احوال محیط بر هر قضیه، پیشرفت‌های علمی و تحولات اجتماعی ممکن است بین واقعه پیش‌بینی شده به وسیله حقوق و واقعه عینی فاصله بیفتد یا سکوت مقررات موضوعه یا حتی تعارض آنها با عدالت واقعی حادث گردد و همین امر منجر به ناکارآمدی مقررات حقوقی در آن موارد خاص شود. باید گفت که به دلیل غلبه روش‌های تصمیم‌گیری متناسب با ماهیت اختیاری حقوق بین‌الملل، همچنین دخالت عوامل متنوع‌تر

1. Jon M. Van Dyke, The Romania V. Ukraine Decision and its effect on east Asian maritime delimitations, Ocean and coastal Law Journal, Vol.15, 2010, 261

2. Ibid, 262.

در دعاوی بین‌المللی و پیچیدگی بیشتر اوضاع و احوال محیط بر آنها اساساً این مسائل در سطح بین‌المللی پُر رنگ‌تر است.<sup>۱</sup> بر این مبنا می‌توان گفت: «توازن میان قابل پیش‌بینی بودن و انعطاف‌پذیر بودن در هر حوزه‌ای از حقوق مشکل به دست می‌آید و براساس حوزه مورد نظر متفاوت است. بنابراین توازن میان قابل پیش‌بینی بودن و انعطاف‌پذیر بودن باید مورد به مورد در هر حوزه‌ای از حقوق، ارزیابی شود. به ویژه در حوزهٔ تحدید حدود دریایی توازن کامل میان دو مورد فوق مشکل حاصل می‌شود».<sup>۲</sup> روش تحدید حدود مسألهٔ بسیار مهمی را دربر می‌گیرد، زیرا که این موضوع در کل فلسفهٔ حقوقی تحدید حدود دریایی را شامل می‌شود.<sup>۳</sup> قابل اعمال بودن روش خط متساوی‌الفاصله در تحدید حدود دریایی موضوع اصلی و مرکزی در حقوق تحدید حدود است. شکی نیست که تحدید حدود باید از طریق اعمال اصول منصفانه باشد. با این وجود لازم به ذکر است که دو رهیافت اصلی در مورد اصول منصفانه دیده می‌شود<sup>۴</sup> که به قرار زیر است:<sup>۵</sup>

**بند اول - رهیافت انصاف نتیجه محور (تأکید بر انعطاف‌پذیری) و مشکلات آن**  
 «فرض رویهٔ قضایی و داوری بین‌المللی این است که مقررات موضوعهٔ بین‌المللی، اعم از قراردادی و عرفی، تا حد زیادی عادلانه و جوانمردانه هستند؛ اما به دلایلی نظیر پیچیدگی روزافزون اختلافات بین‌المللی و تنوع اوضاع و احوال محیط بر آنها شاید نتوان همواره راه‌حل ناشی از اعمال دقیق مقررات موضوعه را برای دعاوی مطروحه منصفانه تشخیص داد. بنابراین، درجه‌ای از انعطاف‌پذیری در نظام حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی ضروری می‌نماید و به نظر می‌رسد دستیابی به این مهم بدون استفاده از انصاف میسر نباشد»<sup>۶</sup> طبق

۱. سیدباقر میرعباسی و رضوان باقرزاده، «نقش انصاف در حل و فصل اختلافات بین‌المللی»، فصلنامهٔ حقوق، دورهٔ ۴۰، ۲ (۱۳۸۹)، ۳۴۶.

1. Tanaka, Yoshifumi, predictability and flexibility in the law of maritime delimitation, Hart Publishing, 2006, 331.

2. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on maritime delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NILR, 2009, 412.

3. Tanaka, Yoshifumi, Reflections on maritime delimitation in the Qatar/Bahrain case, ICLQ, Vol.52, January 2003, 74.

۴. لازم به ذکر است مفهوم سومی از انصاف نیز در تحدید حدود دریایی وجود دارد که «انصاف میراث مشترک» نامیده می‌شود و شرایط لازم برای بهره‌برداری قابل تحمل را از منابع مشترک اعماق اقیانوس‌ها تنظیم می‌کند. در کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) مقام بستر دریاها ماورای صلاحیت ملی کشورها به عنوان میراث مشترک بشریت نمونهٔ بارز آخرین نوع انصاف در تحدید حدود دریایی است. این نوع از انصاف به اختلاف میان گینه و سورینامی بسیار مرتبط بود؛ جایی که انصاف میراث مشترک در مقدمهٔ کنوانسیون به اهداف کنوانسیون اشاره می‌کند که بهره‌برداری مؤثر و منصفانه از منابع دریایی است:

Verani, Andre, Dividing the sea: the 1982 Law of the sea convention, maritime case law and the current Dispute between Guyana and suriname, Gonzaga Journal of international law, Vol.48 (2005), 10.

۵. میرعباسی، پیشین، ۳۴۵.

این رهیافت، منصفانه بودن نتیجه، تنها قاعده‌ای است که از نظر حقوق تحدید حدود مناطق دریایی قابل اعمال است و به این ترتیب هیچ‌گونه روش تحدید حدودی اجباری وجود ندارد.<sup>۱</sup> می‌توان گفت توسعه رویه قضایی مدرن در حوزه تحدید حدود دریایی با رأی دیوان در قضایای فلات قاره دریای شمال (۱۹۶۹) آغاز شد.<sup>۲</sup> «در عرصه حقوقی تحدید حدود مرزهای دریایی جهان، امروزه بیش از سی سال از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه در خصوص تحدید حدود فلات قاره دریای شمال می‌گذرد. این رأی که در زمره پُر اهمیت‌ترین احکام قضایی حقوق بین‌الملل جا دارد، اصول و روش‌هایی را بنیانگذاری نمود که به‌رغم تحول آنها در طول زمان، همواره در قضایای مختلف تحدید حدود مناطق دریایی مورد استناد دیوان قرار گرفته، به نحوی که چنین حکمی به عنوان رویه مرجع تاکنون در عرصه تحدید حدود و تقسیم دریاچه‌های جهان سابقه نداشته است.»<sup>۳</sup> در این رأی؛ دیوان مسأله بسیار مهمی را ابراز داشت و آن این بود که تحدید حدود مناطق دریایی تحت حاکمیت اصول منصفانه به عنوان حقوق عرفی است. در همین رأی دیوان اعلام داشت که وجود هر گونه روش اجباری برای تحدید حدود فلات قاره از جمله روش خط متساوی‌الفاصله را هم رد می‌کند.<sup>۴</sup> بر طبق نظر دیوان چیزی که لازم است جستجو به دنبال یک روش تحدید حدود نیست، بلکه جستجوی یک هدف است که از اهمیت زیادی برخوردار است.<sup>۵</sup> در واقع در رأی فلات قاره دریای شمال، دیوان هیچ‌گونه روش تحدید حدود خاصی را مشخص نمی‌کند. بر این اساس طبق نظر دیوان آنچه در تحدید حدود اهمیت بالایی دارد و بر آن تأکید زیادی شده همان هدف است یعنی دستیابی به یک نتیجه منصفانه و هیچ روش خاصی مورد نظر نیست. بنابراین، رهیافت دیوان یک رهیافت مبتنی بر انصاف است با محدودیت نتیجه حاصله که باید منصفانه باشد

1 6. Tanaka, Yoshifumi, Reflections on maritime delimitation in the Qatar/Bahrain case, ICLQ, Vol.52, January 2003, 74.

2. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on maritime delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NIL R, 2009, 412.

3. Reports (1969) P.46, Paras, 85, 101 (B).

۳. ناظمی، پیشین، ۳۱۸.

5. Ibid, P.50, Para. 92

۶. فقدان هرگونه چارچوب عینی برای کسانی که با تحدید حدود دریایی مواجه می‌شوند منعکس‌کننده نبود کنسانسوس بر سر مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها در اواخر پروسه مذاکرات است. باید توجه داشت که این مسأله موجب ایجاد فرصت منحصر به فردی برای دیوان و سایر دادگاه‌های بین‌المللی شده است تا بدون دخالت دولت‌ها ساختار یک حیطه مهم از حقوق بین‌الملل را شکل دهند. از جنگ جهانی دوم به این طرف، زمانی که دادگستری بین‌المللی صلاحیت شفافیتی برای اعمال داشته است، بسیار مشکل است که حیطه دیگری از این دست را بتوان یافت:

Kaya, Stuart, lessons learned from the gulf of main case: the development of maritime boundary delimitation jurisprudence since UNCLOS III, ocean and coastal law journal, Vol.73,2008,P.14

این رهیافت در قضایای بعدی از جمله خلیج ماین (۱۹۸۴) و لیبی - مالت (۱۹۸۵) تکرار شد.<sup>۱</sup> این رهیافت دیوان سه مشکل عمده ایجاد می‌کند که در زیر به آنها پرداخته خواهد شد:

- اولین مشکل به شخصی بودن پیش از اندازه این رهیافت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر طبق این رهیافت هیچ روش مشخصی برای تحدید حدود وجود ندارد که خود موجب ایجاد صلاحیت نامحدود برای دادگاه‌های بین‌المللی می‌شود. همچنین این خطر را به همراه دارد که اعمال حقوق تحدید حدود دریایی با تصمیم‌گیری بر اساس اصل صلاح و صوابدید خلط شود. در قضیه مربوط به فلات قاره تونس - لیبی، رأی مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۲، قاضی اودا معتقد بود «دیوان نتوانسته است هیچ اصل یا قاعده موضوعه حقوق بین‌الملل را ارائه دهد و خط پیشنهاد شده دارای هیچ ملاحظه قانع‌کننده‌ای نیست. درواقع این رأی به نظر می‌رسد رأیی است مناسب با قضیه‌ای که براساس قاعده صلاح و صوابدید و به موجب بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه فیصله می‌یابد». در همین قضیه اونسون قاضی اختصاصی معتقد است، هر چند انصاف بخشی از حقوق بین‌الملل است، ولی نمی‌تواند در خلأ حقوقی به اجرا درآید. وی معتقد است تمایز میان تصمیم مبنی بر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل مطابق بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه و تصمیم مبنی بر اصل صلاح و صوابدید به موجب بند ۲ ماده ۳۸ خلط شده است. همچنین «در جریان رسیدگی به قضیه فلات قاره دریای شمال، آلمان مدعی بود که اصل «تقسیم عادلانه و منصفانه» به حوزه اصول کلی حقوق تعلق دارد، حوزه‌ای که قاضی بین‌المللی صلاحیت استفاده از آن را دارد تا از ایجاد خلأ حقوقی جلوگیری کند».<sup>۲</sup>
- دومین مشکل فقدان قابل پیش‌بینی بودن حقوق است، همان‌طور که حقوق باید قابل پیش‌بینی باشد، حقوق تحدید حدود دریایی نیز باید درجه‌ای از قابلیت پیش‌بینی را داشته باشد. بنابراین همان‌گونه که مایکل آکهرست به زیبایی بیان داشته است «اگرچه این موضوع که قواعد حقوقی عادلانه باشد مطلوب است، ولی شاید حتی مطلوب‌تر باشد که آنها مشخص، شفاف و قابل پیش‌بینی باشند».<sup>۳</sup> همچنین شوبل قاضی سابق دیوان، اظهار نظر نموده است: «آنچه منصفانه است، مثل آب و هوای لاهه متغیر است».<sup>۴</sup>
- سومین مشکل، فقدان صراحت و وضوح است. مشکل واقعی در اختلافات میان طرفین وجود روش عینی برای تحدید حدود است. طبق رهیافت انصاف نتیجه محور، هیچ‌گونه

1. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on maritime delimitation in the Romani/Ukraine case Before the ICJ, NILR, 2009, 414.

۱. بیگدلی و همکاران، پیشین، ۳۶۵.

3. Michael Akhurst, Equity and general principles of Law, (1976) 47 B.Y.I.L.801, at 809.

4. Schewebel, in: Kwiatkowska, 1997, 124

به نقل از میرعباسی، پیشین، ۳۴۹.

روش معین و مشخصی در حوزه حقوق وجود ندارد.<sup>۱</sup> این عدم شفافیت تا جایی است که قاضی ژیلبر گیوم در سخنرانی خود در کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد در ۳ اکتبر ۲۰۰۱ چنین اعلام کرد: متعاقب قضایای فلات قاره دریای شمال، تونس - لیبی و خلیج ماین، حقوق تحدید حدود دریای از شفافیت، بسیار فاصله گرفته است. در این برهه، حقوق قراردادی و رویه قضایی بسیار غیرقابل پیش‌بینی شده است تا جایی که بحث گسترده‌ای وجود دارد که آیا اصلاً هنوز هم حقوق تحدید حدود دریایی وجود دارد یا اینکه به نام انصاف، راه‌حل‌های اختیاری بی‌پایان هستند.<sup>۲</sup> همچنین از دید قاضی گروس در قضیه مربوط به تحدید حدود مرزی دریایی در منطقه خلیج ماین، رأی ۱۲ اکتبر ۱۹۸۴ «استدلال دیوان به لحاظ منطقی به این معنی است که دیگر هیچ قاعده حقوقی حاکم بر تحدید حدود دریایی وجود ندارد، زیرا به نظر قاضی گروس اصول مورد استناد شعبه، شیوه‌های به کار رفته برای اعمال آن و اصلاحاتی که در کل فرایند صورت گرفته، تمام این عملیات را به تمرینی مبدل می‌کند که در آن یکایک قضات امکان خواهند یافت براساس آنچه خود منصفانه می‌پندارند تصمیم‌گیری نمایند».<sup>۳</sup>

**بند دوم - اعتلای قابل پیش‌بینی بودن حقوق تحدید حدود: رهیافت انصاف اصلاح‌کننده**  
«انصاف یک مفهوم حقوق طبیعی بوده و برگرفته از مفهوم عدالت است و منظور از انصاف در مواردی که در حل و فصل اختلافات بین‌المللی استفاده می‌شود یک اصل انتزاعی نیست؛ بلکه اصلی است که منطبق با موازین حقوقی و قابل پیش‌بینی می‌باشد».<sup>۴</sup> «مفهوم خاص انصاف به عنوان یک مفهوم حقوقی، تجلی مستقیم ایده عدالت است و دیوان که وظیفه غایی آن اجرای عدالت است، متعهد به اعمال آن است. انصاف غالباً در مقابل قواعد خشک حقوق موضوعه قرار گرفته و برای تعدیل این سخت‌گیری در راستای نیل به عدالت به کار رفته است».<sup>۵</sup> بنابراین انصاف می‌تواند نقش اصلاحی را نیز ایفا کند. متعاقب انتقادهای وارد

1. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on maritime delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NILR, 2009, 415.

1. Gilbert Guillaume, speech to the sixth committee of G.A. of the UN (oct.31, 2001) available at <http://www.icj-cij.org/icj/wwipress/60m/iprstats.htm>.

۲. حبیب‌الله حبیبی، «نقش انصاف در کنوانسیون حقوق دریاها»، مجله پیام دریا ۱۲۸ (۱۳۸۳)، ۱۲۱.

۴. میرعباسی، پیشین، ۳۴۸.

۵. به عقیده توماس فرانک سه نوع متفاوت از انصاف وجود دارد: «اول - انصاف اصلاحی، در هنگامی اعمال می‌شود که قاعده نتیجه ناعادلانه دارد؛ دوم - انصاف موسع که انصاف خودش اعمال قاعده است؛ سوم - انصاف میراث مشترک که با دو نوع دیگر انصاف متفاوت است. در دو نوع اول، منابع متعلق به دولت‌ها تخصیص داده می‌شود، در حالی که دو نوع سوم انصاف، منابع متعلق به کل بشریت است:

اعظم امینی، «مشروعیت و انصاف در حقوق بین‌الملل از دیدگاه توماس فرانک»، مجله حقوق بین‌المللی ۴۲ (۱۳۸۹)، ۲۰۱.

شده به رهیافت انصاف نتیجه محور دیوان در تعیین حدود مناطق دریایی، تغییراتی در سمت و سوی این رهیافت دیوان دیده شد و آن استفاده از خط متساوی‌الفاصله به عنوان یک روش عینی و قابل پیش‌بینی در اجرای پروسه تعیین حدود بود.

خط متساوی‌الفاصله تنها روش عینی برای اطمینان حاصل کردن از قابل پیش‌بینی بودن تعیین حدود است. همچنین خط متساوی‌الفاصله شرایط عینی برای آزمایش منصفانه بودن خط تعیین حدود را با در نظر داشتن شرایط و وضعیت‌های مرتبط با هر قضیه ایجاد می‌کند. بر اساس این روش دیوان ابتدا خط متساوی‌الفاصله را رسم کرده، سپس با در نظر گرفتن وضعیت‌های مرتبط، منصفانه بودن آن را سنجیده و در صورت نیاز آن را اصلاح می‌کند.<sup>۱</sup> و ۲ و ۳ و ۴ «این رهیافت انصاف اصلاح‌کننده صریحاً در رأی دیوان در قضیه گرینلند - ژان ماین در ۱۹۹۳ به تأیید دیوان رسید<sup>۲</sup> و بعد از آن نیز در قضایای قطر - بحرین (۲۰۰۱) و کامرون - نیجریه (۲۰۰۲)<sup>۳</sup> نیز اعمال شود<sup>۴</sup>». رهیافت انصاف اصلاح‌کننده دیوان از قابلیت پیش‌بینی بسیار بیشتری نسبت به رهیافت انصاف نتیجه محور دیوان برخوردار است و توانست انتقادهای وارد بر این رهیافت را تا حدی کاهش دهد.

۱. لازم به ذکر است دیوان در رأی خود در قضیه اختلاف دریایی سرزمینی نیگاراگوئه و هندوراس در دریای کارائیب (۲۰۰۷) از رویه دو مرحله‌ای خود فاصله گرفت که در دو دهه قبل از آن اعمال می‌کرد. در رأی فوق‌الذکر دیوان روش تعیین حدود نیم‌ساز زاویه‌ای (angle bisector) را احیا کرد، روشی که از نیمه دهه ۸۰ به بعد استفاده نکرده بود. حتی اگر دیوان در این قضیه به دلیل شرایط دشوار جغرافیایی ناچار به استفاده از این روش بوده است، استفاده دیوان از این روش حایز اهمیت است، زیرا این تصمیم دیوان می‌تواند انعطاف‌پذیری بیشتری را در انتخاب روش تعیین حدود در قضای مشابه به بعدی به نبال داشته باشد:

Lathrop, coalter G, Teritorial and maritime dispute between Nicaragua and Honduras in the caribbean sea, the American Journal of international law, Vol. 102, No.1, Jan. 2008. 118.

۲. میزانی از توسعه یافتگی قابل پیش‌بینی بودن حقوق تعیین حدود دریایی در استفاده دیوان از خط متساوی‌الفاصله (میان) به عنوان مرز موقت میان مناطق دریایی روبه‌روی هم، در قضیه گرینلند شرقی و جزیره سن ماین در رأی ۱۹۹۳ نمایان است. استفاده دیوان از این روش در این مرحله از دو استاندارد حقوق قابل اعمال ناشی می‌شود: ماده ۶ کنوانسیون فلات قاره ملل متحد ۱۹۵۸ (CSC) که دیوان برای اولین بار فرصت اعمال آن را برای تعیین حدود فلات قاره پیدا کرد و حقوق عرفی ایجاد شده به دست کنوانسیون ۸۲ که برای تعیین حدود منطقه ماهیگیری ۲۰۰ مایل قابل اعمال بود: Barbara Kwiatkowska, "Equitable maritime boundary delimitation, fifty years of International court of justice", essays in honour of sir Robert Jennings .282

۳. دیوان در قضیه کامرون/نیجریه اعلام داشته است که روش خط متساوی‌الفاصله طبق مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاهای ملل متحد در اولین مرحله تعیین‌حدود قابل اعمال است. طبق این تفسیر دیوان، یک روش خاص را یعنی خط متساوی‌الفاصله، در روح مواد ۷۴ و ۸۳ دمیده شده است. بنابراین می‌توان گفت رهیافت دیوان در این زمینه نقطه تحولی است که قابل پیش‌بینی بودن حقوق تعیین حدود دریایی را ارتقا می‌بخشد:

Tanaka, Yoshifumi, Reflections on maritime delimitation in the Cameroon/Nigeria case, ICLQ, Vol.53, April 2004, 389

4. Tanaka, Yoshifumi, Reflection on maritime delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NILR, 2009, 418

### نتیجه‌گیری

احکام دیوان بین‌المللی دادگستری و آرای داوری بین‌المللی نقش غیرقابل انکاری در حقوق بین‌الملل تحدید حدود مرزهای دریایی ایفا می‌کنند.<sup>۱</sup> در این میان رأی صادره از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه رومانی - اُکراین نیز از این مهم مستثنا نبود.

در خصوص رأی دیوان دو نکته حایز اهمیت است که به آنها اشاره خواهد شد:

۱. نکته اول مربوط به سه مرحله تشکیل دهنده فرایند تحدید حدود است که به نظر می‌رسد با سایر قضایای مرتبط متفاوت است. با وجود این دیوان در رأی خود این مطلب را روشن ساخت که سه مرحله تشکیل دهنده فرایند تحدید حدود به قرار زیر است:

الف - ترسیم خط متساوی‌الفاصله موقت؛

ب - در نظر گرفتن این مطلب که آیا خط ترسیمی باید برای رسیدن به یک نتیجه عادلانه تغییر کند، پس اصلاح شد که این مورد با در نظر گرفتن شرایط مرتبط با قضیه صورت می‌گیرد؛

ج - انجام آزمایش عدم تناسب آخرین مرحله فرایند تحدید حدود را تشکیل می‌دهد که با توجه به اینکه دیوان این آزمایش را برای این منظور انجام می‌دهد که منصفانه بودن نتایج حاصل از تحدید حدود را بررسی کند؛ می‌توان گفت این مرحله از تحدید حدود نیز یکی از عوامل دستیابی به یک نتیجه منصفانه است.

۲. نکته دوم مربوط به تفسیر دیوان از مواد (۱) ۷۴ و (۱) ۸۳ از کنوانسیون حقوق دریاهاست. در توضیح این مواد باید به این نکته اشاره داشت از آنجایی که میان طرفداران روش خط متساوی‌الفاصله و اصل انصاف، اختلاف نظرهای شدیدی در سومین کنفرانس ملل متحد برای حقوق دریاها بود، به دلیل نیازی که برای جلب رضایت هر دو گروه احساس می‌شد، مواد (۱) ۷۴ و (۱) ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها هر گونه اشاره‌ای به روش خاص را حذف کرد. با این وجود دیوان در قضیه رومانی - اُکراین در اولین مرحله از فرایند تحدید حدود، با استناد به مواد (۱) ۷۴ و (۱) ۸۳ کنوانسیون روش خط متساوی‌الفاصله را اعمال کرد. بنابراین بر طبق تفسیر دیوان از مواد یاد شده، یک روش خاص معنی روش خط متساوی‌الفاصله در روح این مواد به دست دیوان دمیده شد. به این ترتیب می‌توان مدعی بود که معنی جدیدی به مواد مذکور به وسیله دیوان داده شده که این خود می‌تواند تفسیر مترقیانه‌ای از این مواد به حساب آید و این موضوع نیز این معنی را به دنبال دارد که دادگاه‌های بین‌المللی موجب توسعه تفسیر این مواد از طریق موارد مورد رسیدگی شده‌اند.

1. Charney, Jonathan, progress in international maritime boundary delimitation law, AJIL, Vol.88, 1994, 229.



## منابع فارسی

۱. رابین، چرچیل و آلن لو. حقوق بین‌الملل دریاهای. ترجمه بهمن آقایی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷.
۲. بلز، چیکا یا. چکیده رویه قضایی در حقوق بین‌المللی عمومی. ترجمه همایون حبیبی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷.
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران. آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۸.
۴. ناظمی، مهرداد. «دریای خزر و حقوق بین‌الملل: گزینه‌های متفاوت با توجه به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی ۲۶ و ۲۷ (۱۳۸۱): ۱۴۷-۳۴۸.
۵. پورنوری، منصور. حقوق بین‌الملل دریاهای ج اول. تهران: مه‌د حقوق، ۱۳۸۳.
۵. میرعباسی، سیدباقر و رضوان باقرزاده. «نقش انصاف در حل و فصل اختلافات بین‌المللی». فصلنامه حقوق دوره ۴۰ (۲)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (۱۳۸۹): ۳۴۵-۳۶۴.
۷. حبیبی، حبیب‌الله. «نقش اصل انصاف در کنوانسیون حقوق دریاهای». مجله پیام دریا ۱۲۸ (۱۳۸۳): ۸۴-۸۵.
۸. امینی، اعظم. مشروعیت و انصاف در حقوق بین‌الملل از دیدگاه توماس فرانک. مجله حقوقی بین‌المللی ۴۲ (۱۳۸۹): ۱۹۱-۲۰۶.

## منابع لاتین

1. Akhurst, Michael. *Equity and general principles of Law*, (1976) 47 B.Y.I.L.801, at 809.
2. Charney, Jonathan. *progress in international maritime boundary delimitation law*, *AJIL*, Vol.88, 1994
3. Dyke, Jon M.Van. *The Romania V.Ukraine Decision and its effect on east Asian maritime delimitations*, *Ocean and coastal Law Journal*, Vol. 15,2010
4. Dyke, Jon M.Van. *The Romania V.Ukraine Decision and its effect on east Asian maritime delimitations*, *Ocean and coastal Law Journal*, Vol.15, 2010.
5. Elferic, Alex Oude. *Maritime delimitation in the Black Sea (Romania V.UK raine)*,1, available at www.haguejustice portal.
6. Guillaume, Gilbert. *speech to the sixth committee of G.A. of the UN* (oct.31, 2001) available at <http://www.icj-cij.org/icj/www/ipress/60m/iprstats.htm>.
7. Reports (1969) دیوان بین‌المللی دادگستری.

8. دیوان بین‌المللی دادگستری Reports (1982).
9. دیوان بین‌المللی دادگستری Reports (2009).
10. Jiuyong, Shi. Maritime delimitation in Jurisprudence of the ICJ, *Chinese Journal of International Law* (2010).
11. Kaya, Stuart, *lessons learned from the gulf of main case: the development of maritime boundary delimitation jurisprudence since UNCLOS III, ocean and 12. Coastal law journal*, Vol.73, 2008.
13. Kwiatkowska, Barbara. *Decisions of the world court Relevant to the UN convention on the law of the sea a reference guide, published by Kluwer law international, the Hague/london/ Newyork*, 2002.
14. Kwiatkowska, Barbara. *Equitable maritime boundary delimitation, fifty years of International court of justice, essays in honour of Sir Robert Jennings*.
15. Lagoni, Rainer & Daniel Vignes, *Maritime delimitation. publications ocean development*, Vol.53, Martinus Nijhoff publishers, 2006.
16. Lathrop, coalter G, *Teritorial and maritime dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea, the American Journal of international law*, Vol. 102, No.1, Jan.2008.
17. *Leiden Journal of International Law*, Vol. 14, 2001.
18. Malcolm, D .Evans. *Maritime Delimitation and Expanding Categories of Relevant Circumstances, the International and comparative law Quarterly*, Vol. 40, No.1 (Jun, 1991).
19. Malcolm, D.Evans.*The maritime Delimitation Between Eritrea and Yemen, Memorial submitted by Romani*, vol I, 19 August 2005.
20. Nugzar, Dundua. *Delimitation of maritime boundaries between adjacent states, United Nation, Nippon Foundation Fellow*, 2006-2007.
21. *Nuno sergio margques Antunes, the 1999 Eritrea-Yemen Maritime delimitation award and the development of International Law, ICLQ*, Vol.50, April 2001.
22. Tanaka, Yoshifumi, *Reflections on maritime delimitation in the Cameroon/Nigeria case, ICLQ*, Vol.53, April 2004
23. Verani, Andre, *Dividing the sea: the 1982 Law of the sea convention, maritime case law and the current Dispute between Guyana and surina-*

- 
- me, Gonzaga Journal of international law, Vol.48 (2005).*
24. Yoshifumi, Tanaka. *predictability and flexibility in the law of maritime delimitation, Hart Publishing, 2006.*
25. Yoshifumi, Tanaka. *Reflection on Maritime Delimitation in the Romani/Ukrain case Before the ICJ, NILR, 2009.*
26. Yoshifumi, Tanaka. *Reflections on maritime delimitation in the Qatar/Bahrain case, ICLQ, Vol.52, January, 2003.*

## Bright Law in the Black Sea: Flexibility and Predictability of Maritime Delimitations Criteria in the ICJ's Decision on Romania/Ukraine (2009)

**Djamshid Mazaheri**

**Abstract:**

On 3 February 2009, international court of justice rendered its judgment on the merits in the case concerning maritime delimitation in the black sea between Romania and Ukraine. The judgment of the court is important in some aspects concerning three stages of structure of the establishment of the maritime boundary, interpretation of articles 74 and 83 of UNCLS by the court, new direction of the court toward the corrective-equity approach and finally legal situation of Serpent's island and the interpretation of article 121(3) of UNCLS by ICJ. This article provides detailed analyses of the mentioned issues.

**Keywords:**

Law of the Sea, International Court of Justice, 1982 Convention, Maritime Delimitation, Equity, Black Sea

# Journal of LEGAL RESEARCH

**VOL. XIV, No. 1**

**2015-1**

- **Tension between Zonal and Global management in prevention and repression of criminal acts in sea**  
Djamchid Momtaz - Massoud Alizadeh - Shahram Zarneshan
- **Legal system governed on succeed obligation for merging Trade Companies**  
Bahram Hasanzadeh
- **Allocati on of legislative jurisdiction of Parliament in the constitutional order of Iran**  
Javad Taghizadeh - Fatemeh Samieyan
- **A Comparative Study of Iran's Criminal Legislative Policy With UNCAC in the field of Financial Anti-corruption and its Evolutions**  
Mohammad Bagheri Komar Olia
- **Open source software system**  
Seyed Mohsen Tolou - Jafar Nezamolmolli
- **The legitimacy of using force against Pirates off the coast of Somalia**  
Zakieh Taghizadeh
- **The procedure in extradition law with insist on Julian Assange's cases**  
FaridAzadbakht - Mehdi TavanaeManesh
- **Structure and Efficiency of African Court on Human and People's Rights**  
Seyed Yaser Ziaee -Sadegh Jafarzadeh Darabi
- **Bright Law in the Black Sea: Flexibility and Predictability of Maritime Delimitations Criteria in the ICJ's Decision on Romania/Ukraine (2009)**  
Jamshid Mazaheri
- **A comprehensive legal challenge: Italy versus ICJ**  
Faraz shahlaei



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**  
Research & Study